

زیکورات سیلک



گزارش فصل یکم

به کوشش:

دکتر صادق ملک شمیرزادی
سرپرست و مجری "طرح بازنگری سیلک"

سازمان میراث فرهنگی کشور
معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی

فهرست مطالب

۷	دکتر مسعود آذرنوش	سخن ناشر
۹	مهندس سیف الله امینیان	پیشگفتار
۱۱	دکتر صادق ملک شهمیرزادی	تشکر و اعتذار
۲۱	دکتر صادق ملک شهمیرزادی	دیباچه
۲۷	دکتر صادق ملک شهمیرزادی	زیگورات سیلک
۵۵	جبرئیل نوکنده	گزارش لایه نگاری برش الف در تپه جنوبی سیلک تپه جنوبی سیلک در آستانه استقرار:
۸۵	مهرداد عسگریان	گزارش کاوش گمانه "الف"
۹۳	سامان حیدری	گزارش کاوش ترانشه "الف" و زمین ریخت منطقه کاشان
۱۱۳	کوروش روستایی	گزارش کاوش گمانه "ب"
۱۳۵	دکتر مرجان مشکور	مقدمه‌ای بر جانور باستان‌شناسی سیلک
۱۴۳	فریدون بیگلری	مقدمه‌ای بر صنایع سنگی سیلک
۱۶۹	فرزاد فروزانفر	بقایای نوزاد سیلکی
۱۷۱	ناصر نوروززاده چگینی	آجرهای با نقش اثر مهر
■ پیوست‌ها:		
۱۷۹	ترجمه دکتر هایده لاله	۱- "سازه عظیم نوشته رومن گیرشمن
۱۸۱	ترجمه دکتر مرجان مشکور	۲- "بازنگری سیلک IV" نوشته پیر آمیه
۱۹۷	سامان حیدری	۳- معرفی نقشه برداری Total Station تصاویر
۲۱۶		
۲۱۵-۲۱۹		خلاصه‌ای به زبان انگلیسی

سخن ناشر

کاوش‌های سیلک نخستین کار برجسته‌ی باستان‌شناسی پرآوازه‌ای است که طی زندگی حرفه‌ای پرخروش خود پیش از بیست کتاب و سیصد مقاله در زمینه‌های گوناگون باستان‌شناسی ایران نگاشت. رمان گیرشمن (Roman Ghirshman)، کاوشگر سیلک، ندای رسایی بود که نگاه بسیاری را در جهان به باستان‌شناسی ایران، و ایران، خواند. اما، این باستان‌شناس نامی نیز، همچون هر انسان دیگری، با اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی زمان خود پیوند داشت. گاه، این پیوندها بر درخشش دست آوردهای شگرف وی سایه افکنده و تلخکامی ناخواسته‌ای را در برخی دامن می‌زند. این نکته نیز غالباً ناگفته می‌ماند که، شایسته است داوری عادلانه بر کردهای هر کس را به آگاهی‌ها و شرایط عصر او محدود نماییم.

گیرشمن از پی‌سال‌های متمادی حضور باستان‌شناسی فرانسه در ایران به این سرزمین آمد اما، هم او آغازگر عصر تازدای در باستان‌شناسی فرانسه در خاورمیانه و ایران گردید. ضعف بینش نظری باستان‌شناسی فرانسوی پیش از وی باستان‌شناسی ایران را نیز از را آوردهای مهمی محروم ساخته بود. کاوش‌های سیلک گیرشمن را، به عنوان نماینده باستان‌شناسی فرانسه در ایران، به دیدگاه‌های علمی زمانش پیوند داد. شاید بتوان گذار از لایه‌نگاری مترب به لایه‌نگاری فرهنگی را یکی از بزرگترین دست آوردهای کاوش‌های سیلک انگاشت. حاصل این جهش علمی نیز لایه‌نگاری پیچیده‌ای بود که برخی از تحلیل‌گران بدان لقب باشکوه^(۱) دادند. پیش از سیلک معیار تحلیل داردها، نه تنها در بخش بزرگی از خاورمیانه بلکه در افق‌های بعیدی چون چین و هند نیز همان لایه‌نگاری شوش و آنو بود. گیرشمن معیارهای تازدای پیشنهاد کرد که بعد علمی شگرف آن بسیاری از تحلیل‌هارا دگرگون می‌ساخت.

با این همه، به نظر می‌رسد که پس از این جهش نظری و عملی او نیز، به تدریج، به عالمی سنت‌گرا تبدیل شده باشد، عالمی که تقریباً از تمامی مباحث باستان‌شناسی نظری زمانش به دور مانده. این مباحث از دهه پنجاه، و با وسعت افزون‌تر از دهه شصت، سده‌ی بیستم میلادی تاکنون ذهن پوینده‌ی نظریه‌پردازان باستان‌شناسی را به خود مشغول داشته است. به رغم این فقدان، دانش گستردۀ و ژرف گیرشمن، پشتکار، و هوش فوق العاده‌ی وی سبب شده است که آوازه‌ی او هنوز در بخش گستردۀ از قلمرو باستان‌شناسی ایران طنین افکند. با این همه، با گذشت زمان و توسعه دانش باستان‌شناسخانه‌ی ما، ضعف برخی از دیدگاه‌های وی آشکار شده و نظر تیزبین پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. از پی او ر. مک‌کاون (D. E. McCown)، ی. مجیدزاده (Y. Majidzadeh) و پ. آمیه (P. Amieh) نیز به نقد برخی از تحلیل‌های گیرشمن از لایه‌نگاری سیلک پرداختند.

زمان آن فرا رسیده بود که باستان‌شناسی ایران، در روشنایی دانش امروزین به سیلک نظری دوباره افکند. این بازنگری از منظرهای گوناگون ما را به خود می‌خواند. چند دهه است که لایه‌نگاری حاصل از کاوش‌های سیلک سیون فقرات گاهنگاری فرهنگ‌های پیش از تاریخ ایران، و به ویژه بخش مرکزی این سرزمین را، شکل بخشیده و اکنون، اکتشافاتی که از سال‌های کاوش سیلک تاکنون در باستان‌شناسی ایران و دیگر سرزمین‌های جهان ایرانی رخ داده

1- «... a splendid stratigraphical sequence...» ر.ک. Daniel, G., *A Hundred and Fifty Years of Archaeology*, (Cambridge, Massachusetts; Harvard University Press, 1976), p. 210.

تحلیل‌های تازه از حاصل آن کاوش‌هارانه تنها امکان‌پذیر، بلکه الزامی ساخته است. اما این تنها دلیل آغاز برنامه‌ی بازبینی کاوش‌های سیلک نبود، هر چند که همین مهمترینشان است. این نیز هست که سیلک شهردی آفاق، در میان محله‌های شهری که هر روز بیشتر از پیش به سوی پردیس فین دامن می‌گسترد، مهجور افتاده. به رغم شکوهش برای آنان که عظمت دیرینش را نمی‌شناسند، سیلک ممکن است وصله‌ی ناجوری از خاک بر تارک شهری باشد که می‌کوشد امروزی باشد. اگر بخواهیم از کاوشگر نقل قول کنیم خواهیم گفت: «از سیلک فردوسی امروزین ساختن وظیفه ما» و دلیل دگر ماست برای سازماندهی «طرح بازنگری سیلک». طرح بازنگری سیلک خود را بیش از هر کس مرهون جناب آقای مهندس بهشتی، ریاست سازمان میراث فرهنگی کشور، می‌داند. پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی بدون کمک‌های ایشان امکان اجرای این برنامه را نمی‌یافتد.

گزارش حاضر حاصل تلاش تیمی است که از تخصص‌های گوناگون بهره‌مند بوده است. میان رشته‌های بودن می‌رود که جای پای محکمی در باستان‌شناسی ایران بیابد و طرح بازنگری سیلک آخرین، و شاید بهترین، نماد آن است. حاصل همکاری کارشناسانی که در رشته‌های گوناگون تخصص دارند کشفیات غیرمنتظره‌ای است که می‌تواند دیدگاه‌های بسیاری را متفاوت سازد.

اما این گزارش به فاصله‌ی اندکی از پایان نخستین فصل این طرح به دست شما می‌رسد. این نیز، علاوه بر آن کشفیات چشم‌گیر، موفقیت دیگری است که تیم بازنگری سیلک را تمایز می‌سازد. هدف از اجرای هر طرح پژوهشی تولید اطلاعات است؛ نه برای نهادن، بلکه برای پراکندن در جامعه. نه تنها پژوهشگران، بلکه هر ایرانی، و در نهایت هر انسانی براین کره‌ی خاکی، حق دارد از چون و چند فعالیت‌های باستان‌شناسی سرزمین ما آگاه شود و انتشار سریع نتایج کاوش‌ها یکی از راههای احقيق این حق است. پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی موفقیت‌های تیم طرح بازنگری سیلک و نیز انتشار سریع گزارش حاضر را، بیش از هر کس، مدیون تلاش‌های آقای دکتر صادق ملک شهمیرزادی، استاد فرهیخته‌ی باستان‌شناسی کشور، و صمیمیت گروهی است که با وی این فصل پر تلاش تازه را در سیلک آغاز کرده و به انجام رسانیده‌اند.

مسعود آذرنوش
پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی

۱۳۸۱/۳/۲۵

پیشگفتار:

سیلک، آئینهٔ دیرپایی ایران زمین

خوانندگ چه نصف جهان اصفهان ولیک

علیرغم همهٔ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی نهفته در دل تپه‌های سیلک کاشان و با وجود قدمت چندهزار ساله سیلک، تا حدود هفتاد سال قبل هیچکس از ویژگیها و ارزش‌های مکتوم این نقطه گرانقدر مطلع نبود. قدیمی‌ترین منبع و مأخذی که فقط، اشارتی بسیار کوتاه و مختصر به سیلک دارد، کتاب مرآت القasan است.* که به عنوان یکی از قلعه‌جات قدیمی بنام "سی ارگ" از آن نام برده است و در وجه این تسمیه نیز گفته که چون رنگ خاکش نسبتاً از خاک اطرافش سفیدتر است موسوم به سپیدارگ شده و از کثرت استعمال سی ارگش نامند.**

پیدا شدن چند ظرف سفالی جالب و کم نظیر در ایران و عرضه تعدادی از آنها توسط عتیقه فروشان در سال ۱۹۲۲ میلادی در پاریس و مشخص شدن محل بدبست آمدن این ظروف یعنی سیلک کاشان، انگیزهٔ و عاملی شد که یک هیئت فرانسوی که در نواحی غربی ایران مشغول حفاری بودند از طرف موزهٔ لوور پاریس، سریعاً به کاشان عزیمت و اولین کاوش‌های باستان‌شناسی را به سرپرستی پروفسور رومن گیرشمن در اکتبر سال ۱۹۲۳ میلادی در سیلک آغاز نمایند. این هیئت طی حفاریها و کاوش‌های خود تا سال ۱۹۲۷ میلادی در دو تپهٔ شمالی و جنوبی سیلک و گورستانهای مجاور آن به نتایجی رسیدند که در نوع خود بی نظیر بود و بیانگر ارزش‌های والای سیلک.

انتشار گزارش هیئت فرانسوی و نتایج پژوهش‌های انجام شده در سیلک که در سال ۱۹۳۸ میلادی به وسیلهٔ پروفسور گیرشمن صورت گرفت، سیلک را به چند هزار سال قدمت به عنوان مهد و مرکز یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری مطرح ساخت.

در شهریورماه سال ۱۳۲۰ شمسی، تپه‌های سیلک با شمارهٔ ۳۸ در فهرست آثار ملی کشور قرار گرفت و مالکیت دو تپهٔ شمالی و جنوبی هم در اداره ثبت استناد و املاک کاشان بنام دولت ثبت شد.

چند سال بعد با تشکیل اولین دایرہ باستان‌شناسی در اداره فرهنگ کاشان (آموزش و پرورش فعلی) به سرپرستی مرحوم استاد مصطفی فیضی کاشانی (محقق و ادیب و شاعر معروف معاصر) اولین اقدامات حفاظتی در تپه‌ها بعمل آمد و نهایتاً از طریق دفتر فنی حفاظت آثار تاریخی کاشان، اطراف عرصه و تپه‌های سیلک با استفاده از پایه‌های بتونی و سیم خاردار محصور و با احداث یکباب اطاق نگهبانی در جنوبی‌ترین نقطهٔ محوطه سیلک و گماردن نگهبان، تحت حفاظت مطلوبی واقع گردید.

متاسفانه، همزمان با اوج گیری مبارزات مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و اوایل شکل‌گیری و ساماندهی ارگانهای مربوط به جمهوری اسلامی ایران که توجه عموم مردم و مسئولین به امور معنوی و عقیدتی معطوف بود، عده‌ای از افراد سودجو و فرصت طلب با تشیب به موضوع: ضرورت رسیدن به خودکفایی، ظاهرآ به عنوان کشاورزی و تولید گندم با کدن سیمهای خاردار و از بین بردن حفاظ اطراف عرصه سیلک مباررت به تصرف اراضی و عرصه سیلک نموده و بدولاً با تظاهر به

*- مرآت القasan در ربع آخر قرن سیزدهم هجری قمری توسط عبدالرحیم کلانتر ضرابی کاشانی تألیف و در سال ۱۳۳۵ به کوشش دکتر ابرج اشار تحت عنوان: تاریخ کاشان چاپ و منتشر شد.

**- صفحه ۱۱۶ تاریخ کاشان (به کوشش ایرج افشار) چاپ سوم، سال ۱۳۵۶.

کشاورزی، متعاقباً اقدام به فروش غیر قانونی اراضی و یا احداث باغ و خانه و مستغلات نموده و خسارات غیر قابل جبرانی به این قدری ترین مرکز مدبنت بشری وارد آورده است. تلاشهای سازمان دولتی مربوطه‌ای که در آن مقطع زمانی متولی حفاظت از پهنه‌های مذکور بوده است نیز جهت رفع تصرف عدوانی و غیر قانونی اراضی سیک و خلع ید از متصرفین نتیجه بخش نشده و به مرور زمان و بخصوص قسمت عمده‌ای از اراضی اطراف تپه جنوبی به منطقه مسکونی مبدل شده.

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر

سرانجام با تلاش و پیگیری‌های مدیریت میراث فرهنگی کاشان و با حمایت سازمان میراث فرهنگی و همکاری ارگان‌ها و مسئولین محلی در کاشان، زمینه‌ای فراهم شد که علاوه بر حفظ اراضی و عرصه باقیمانده سیلک، از بورس بازی املک و اراضی تصرف شده و تا حدی از ادامه ساخت و سازها جلوگیری شود. با تعیین و تصویب حريم قانونی سیلک با همکاری فرمانداری و شهرداری و شورای اسلامی شهر کاشان، موضوع ساخت و ساز در اطراف تپه‌ها بر اساس ضوابط حريم مصوب تحت کنترل درآمد.

برگردان گزارش پروفسور گیرشمن از متن فرانسوی آن (که در سال ۱۹۲۸ میلادی در پاریس چاپ و منتشر شده بود) به کوشش میراث فرهنگی کاشان و با کمک جناب آقای مهندس باقر آیت‌الله زاده شیرازی به وسیله مترجم فاضل و همکار سازمان میراث فرهنگی کشور، جناب آقای اصغر کریمی و چاپ و انتشار جد اول آن با مساعدتهای معاونت‌های حفظ و احیاء و معرفی و آموزش سازمان از اقدامات مؤثر دیگری بود که در شناخته شدن ویژگیهای سیلک تأثیرات قراوانی داشت. به نظر راقم این سطور، چنانچه ترجمه فارسی و انتشار گزارش مذبور سال‌ها قبل از سال ۱۲۵۷ و قبل از انجام تصرفات غیرقانونی در سیلک انجام گرفته بود، نه تنها سیلک وضعی به مراتب بهتر پیدا می‌کرد.

خوشبختانه، بعد از بازدیدهایی که توسط ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور و معاونین ایشان و مدیر و مسئولین پژوهشکده باستان‌شناسی و اداره حفظ و احیاء از عرصه و اراضی سیلک انجام گرفت و جلسات بحث و تبادل نظر که تشکیل گردید نهایتاً با مساعدت جناب آقای مهندس بهشتی رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور و همکاری صمیمانه جناب آقای گلشن معاون پژوهشی سازمان و مشارکت جناب آقای دکتر آذرنوش مدیر پژوهشکده باستان‌شناسی و بنابر تقاضای مدیریت میراث فرهنگی کاشان، جناب آقای دکتر صادق ملک شهمیرزادی (استاد محترم دانشگاه و یکی از پرسابقه‌ترین و فاضلترین باستان‌شناسان مربوط به دوره پیش از تاریخ کشور) با قبول زحمت مسئولیت سرپرستی انجام پژوهش و کاوش در سیلک، برای اولین بار بعد از آخرین اقداماتی که حدود ۶۵ سال قبل توسط هیئت فرانسوی انجام شده بود، با تشکیل هیئت از مجبوب‌ترین استادی و کارشناسان، در زمستان سال ۱۳۸۰ اولین فصل پژوهش در سیلک کاشان (بعد از اقدامات هیئت فرانسوی در ۶۵ سال قبل) را آغاز و با تلاش و تعمق و دقت نظر، بحمد... و المنه به نتایج مطلوبی انجامید که حاصل این بررسی و تحقیقات ارزنده در صفحات آتی از نظر ارجمندان خواهد گذشت.

به یاری خداوند بزرگ، حاصل این فصل از پژوهش و کاوش سیلک را در مرتبت و موقعیتی قرار داد که لزوماً انجام فصول بعدی پژوهش را ایجاب می‌نمود. ضمن تقدیم مراتب سپاسگزاری از مساعدتهای ریاست محترم سازمان و معاونین محترم ایشان و مدیر محترم پژوهشکده باستان‌شناسی و همچنین از جناب آقای دکتر ملک شهمیرزادی و کلیه اعضای محترم هیئت، لازم می‌داند از آقایان محمد عطوف نساج، سید حسین ساجدی، عباس اعتماد فینی و سایر کارکنان میراث فرهنگی کاشان نیز که در تارک ملزومات و فراهم ساختن امکانت کارگاهی، جهت انجام موقفيت‌آمیز اولین فصل پژوهش در سیلک کاشان مشارکت و همکاری داشته‌اند نیز قدردانی نمایند.

برو سیلک و پیش آن تمدنی که جهان ندیده است چنین حشمی به جای دگر

بمنه و کرمه
مهندس سیف!... امینیان
مدیر میراث فرهنگی، کاشان

تشکر و اعتذار

در بعداز ظهر روز چهارشنبه چهاردهم دی ماه ۱۳۷۹ برای ارائه گزارش کاوش "آق تپه" گنبد کاووس جلسه‌ای خصوصی در دفتر جناب آقای مهندس سید محمد بهشتی، ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی کشور، با حضور آقای جلیل گلشن معاونت محترم پژوهشی برگزار شده بود. در پایان ارائه گزارش بحث به اهمیت سیلک کشیده شد و جناب مهندس بهشتی متذکر این نکته شدند که محوطه مهم و باستانی سیلک امروز در داخل ساخت و سازهای شهری قرار گرفته و علاوه بر اینکه به محلی برای تخلیه آوارهای ساختمانی درآمده است زباله‌های شهری راه را در آن تخلیه می‌کنند. از طرف دیگر به دلیل استقرار آن توسط ساختمان‌های بلند اطراف به محلی برای انجام انواع اعمال خلاف نیز تبدیل شده است. اینها مسائلی بود که از چند سال قبل، که تقریباً همه ساله حداقل سالی یکبار برای دیدن تپه‌های سیلک به آنجا می‌رفتم، از نزدیک شاهد بودم و افسوس می‌خوردم که چرا باید سیلک که شاخص مطالعات پیش از تاریخ ایران و بخصوص فلات مرکزی ایران است به چنین سرنوشت ناحق و ناگواری دچار شده باشد. از خود سؤال می‌کردم بی توجهی به این اثر مهم از چه زمانی و چرا صورت گرفته است؟ در همان گفتگو، که پس از ارائه گزارش رسمی من به صورت بحثی دوستانه درآمده بود، مهندس بهشتی اضافه کردند که باید برای نجات این اثر مهم باستانی که از شهرتی بین‌المللی برخوردار است فکری پشود. در آن موقع ابدأ گمان نمی‌کردم که نظر ایشان این خواهد بود که من طرحی در زمینه پژوهش مجدد سیلک را تهیه کنم. هنگام خداحافظی بود که ایشان یادآور شدند که بهتر است هر چه زودتر طرحی هم برای مطالعه مجدد در سیلک تهیه کنم. در آن موقع بدون اینکه با سرپرستی پژوهش مجدد در سیلک تعهدی را قبول کرده باشم موافقت کردم که فرصتی به من داده شود تا در آن مورد مطالعاتی را انجام بدهم. در جلسه دیگری که در تاریخ پنجمین ۱۱ اسفند ماه ۱۳۷۹ در دفتر کار ایشان در نیاوران داشتیم در پایان جلسه نظریاتم را که به صورت طرح اولیه‌ای تهیه کرده بودم و عنوان آن را گذاشته بودم "طرح بازنگری و ساماندهی سیلک" به ایشان تسلیم کردم. روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ از دفتر ایشان تلفنی اطلاع دادند که یک نسخه از آن طرح را به ایشان برسانم که این کار در روز بعد صورت گرفت. دیگر از جریان خبری نشد تا اینکه در آخرین هفته آبان‌ماه از دفتر آقای گلشن خبر دادند که روز پنجمین به اول آذرماه برای بازدید و بررسی و امکان‌سنجی اولیه به سیلک می‌رومیم. عصر روز اول آذرماه و قبل از افطار، چون این روز مصادف بود با پنجمین روز از ماه مبارک رمضان، آقای گلشن معاون پژوهشی سازمان، آقای دکتر مسعود آذرنوش، ریاست محترم پژوهشکده باستان‌شناسی، و اینجانب در بالای تپه جنوبی سیلک ایستاده بودیم و درباره ابعاد وسیع ویرانی حاصل از سال‌ها بی توجهی به این محل باستانی استثنایی مباحثی بی کلام داشتیم. پس از آن برای صرف افطار که توسط

جناب آقای مهندس سیف‌الله امینیان، مدیریت محترم دفتر میراث فرهنگی کاشان، ترتیب داده شده بود به محل مورد نظر برای صرف افطار رفتیم. برای اقامت شبانه ما هم مهندس امینیان ترتیبی داده بودند که در مهمانسرای باعث فین اقامت داشته باشیم.

پس از افطار به مهمانسرار فتیم و قبل از استراحت در باره ابعاد وسیع ویرانی سیلک بحث شد و سرانجام بحث به آنجاکشیده شد که چه باید کرد. تقریباً در پایان بحث به این نتیجه رسیده بودیم که تامطالعات دقیق‌تر و بررسی همه جانبیه مسایل و مشکلات بازنگری و ساماندهی سیلک هر گونه اقدامی را متوقف نماییم. در اوخر شب و حدود ساعت ده و نیم بود که آقای گلشن بحث را از جنبه کامل‌آرسمی و اداری خارج کرد و به آن جنبه‌ای کاملاً احساسی و عاطفی داد. ایشان با حالتی حزن‌انگیز رو به من کرد و جملاتی را بیان کرد که مضمون کلی آن چنین بود: "فلانی نمی‌توان همینطور دست روی دست گذاشت و ساکت ماند. باید کاری کرد. سیلک شاخص مطالعات باستان‌شناسی ایران است. اگر دیر بجنوبیم بزودی سیلک جذب ساخت و سازهای شهری شده و از نظر محو می‌شود." پس از شنیدن این عبارات بود که بایشان و آقای دکتر آذرنوش گفتم اگر برای نخستین فصل پژوهش مجدد در سیلک یک بند به ابتدای "طرح بازنگری و ساماندهی سیلک" اضافه شود شاید بتوان کاری کرد و آن بند این خواهد بود: "آواربرداری و بازپیرایی سیلک". در این باره توافق شد و قرار شد در اولین فرصت مقدمات کار فراهم شود. در همان شب تقسیم کار شد که من مأمور تشکیل هیئت شدم، آقای آذرنوش کارهای اداری را انجام دهنده و آقای گلشن بودجه لازم را فراهم کنند. و قرار گذاشتم روز بعد مطالب مورد بحث را با آقای مهندس امینیان در میان بگذاریم تا سهم ایشان هم در این وضعیت اضطراری مشخص باشد.

روز بعد، یعنی جمعه دوم آذرماه، آقای مهندس امینیان هم در پایی تپه جنوبی به ما پیوستند و پس از اینکه ایشان را در جریان بحث‌های شب قبل گذاشتم چهار نفری توافق کردیم که با کمک هم این طرح را اجرا کنیم. شروعی نیز تعیین شد که هر چهار نفر آن را پذیرفتیم. پس از این قول و قرار شفاهی، که نشان داد از هر قول و قرار کتبی می‌تواند معتبرتر باشد، آقای گلشن و دکتر آذرنوش و من به تهران مراجعت کردیم. البته هر چند خوشبختانه کاری که با قول و قرار شفاهی شروع شده بود پایان بسیار چشمگیر و رضایت‌بخشی داشت ولی تمام این امور با مشکلات عدیده‌ای همراه بود، چون این طرح در برنامه مصوب سال ۱۳۸۰ سازمان پیش‌بینی نشده بود و کار آقای گلشن از همه سخت‌تر بود.

روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۸۵ هیئت "طرح بازنگری و ساماندهی سیلک" که عنوان آن تغییر داده شد و به صورت "طرح بازنگری سیلک" درآمد وارد کاشان گردید و روز جمعه ۱۴ دیماه ۱۳۸۵، یعنی دقیقاً یک سال پس از مذاکره شفاهی درباره سیلک که در دفتر جناب آقای مهندس سید محمد بهشتی در تهران بین سه نفر ما صورت گرفته بود، با استخدام چهار کارگر نخستین گام برای اجرای "طرح بازنگری سیلک" عملاً برداشته و به طرح رسمیت داده شد.

اعضای هیئت با مشورت با آقای دکتر مسعود آذرنوش و هم چنین در مواردی با آقای جلیل گلشن انتخاب شدند. نظر ما این بود تا آنجاکه مقدور است علاوه بر کارشناسان رسمی سازمان نیروهایی وارد هیئت شوند که بتوان توانایی‌ها و قابلیت‌های جذب آنها را در پژوهشکده باستان‌شناسی از نزدیک و عملاً مورد ارزیابی قرار داد. در نتیجه افراد زیر، که به ترتیب حروف الفبا اول نام خانوادگی معرفی می‌شوند، اعضاء نخستین هیئت "طرح بازنگری سیلک" را تشکیل دادند.

فریدون بیگلری. پژوهشگر مستقل در مطالعات پارینه سنگی تا پایان دوره نوسنگی ایران. در این فصل بیگلری مسئولیت بررسی‌های سطحی محوطه سیلک، اعم از تپه شمالی و جنوبی و منطقه بین آنها، را به عهده داشت. سامان حیدری. فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد رشته زمین‌ریخت‌شناسی. ایشان مطالعات خود را بر روی مسئله رابطه بین زمین‌ریخت و باستان‌شناسی مرکز کردند. در این فصل ایشان مسئولیت مطالعه درباره چگونگی وضعیت اقلیمی منطقه وسیع کاشان و ارتباط آن را با محوطه سیلک به عهده داشتند. برای حصول به نتیجه مستند سرپرستی کاوش جدولی را که قسمتی از آن در جدول 45 R و قسمتی هم در جدول 44 R قرار گرفته بود و در فاصله حدود ۱۵۰ متری شمال تپه جنوبی واقع شده است نیز به عهده داشت. در نتیجه کاوش در این جدول بود که حیدری موفق شد اطلاعاتی به دست آورد که نشان می‌داد در هزاره پنجم قبل از میلاد، حدود ۷۰۰۰ سال قبل در این قسمت از محوطه سیلک رودخانه و یا نهری جریان داشته است. علاوه بر این مسئولیت تهیه نقشه محوطه سیلک را هم ایشان به عهده گرفتند و با آشنایی که با روش نقشه‌برداری موسوم به Total Station داشتند توانستند با برقراری ارتباطات لازم با مهندسان و شرکت‌های معتبر نقشه‌برداری در کرمانشاه این امر مهم را به انجام برسانند. کلیه نام جدول‌هایی را که در این گزارش به آنها ارجاع داده می‌شود از روی این نقشه بدست آمده که اگر چنین نقشه‌ای تهیه نمی‌شد هیئت نمی‌توانست جایگاه مهم خود را در این فصل و همچنین فصول آتی مشخص کند و برنامه دومنی فصل را نیز تهیه نماید.

کوروش روستایی. فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته زمین‌شناسی دانشگاه شیراز و کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران. در این فصل روستایی سرپرستی کاوش در "گمانه ب" را که در جدول 62 S واقع شده است به عهده داشت. این گمانه در حدود یکصد متری جنوب شرق دامنه تپه شمالی سیلک واقع شده بود. هدف از کاوش در این گمانه به دست آوردن اطلاعاتی درباره چگونگی جریان رسوب‌گذاری در دشت کاشان و در نتیجه محوطه سیلک بود. در جریان کاوش عمقی روستایی مدارکی بدست آورد که نشان از گستردگی تپه شمالی در آغاز استقرار تا این حدود می‌داد که در گزارش مسروخ خود به جزئیات آن خواهد پرداخت. علاوه بر این روستایی ضمن مطالعه دقیق نهشته‌های رسوبی و یافه‌های فرهنگی در این گمانه انواع کانی‌های به دست آمده را که می‌شد با چشم غیر مسلح تشخیص داده شود مورد بررسی قرار می‌داد که نتایج بسیار ارزشمندی به دست آورد و در مقاله خود به آن‌ها اشاره خواهد کرد.

مهرداد عسگریان. کارشناس ارشاد باستان‌شناسی مدیریت میراث فرهنگی استان زنجان. ایشان علاوه بر مدیریت داخلی هیئت، که می‌تواند سمتی جدید در تشکیلات هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران قلمداد شود، سرپرستی گمانه "الف" واقع در جدول 128 را نیز به عهده داشت. حضور او در هیئت نعمت بزرگی بود. صداقت، امانت، دقت در کار سرپرستی کاوش، پشتکار و علاقمندی، همراهی و همکاری با دیگر اعضاء هیئت و توجه به جزئیات مسایل و موارد باستان‌شناسی از خصوصیات اصلی او بود. در اینجا باید از جناب آقای محمد بهرامزاده، مدیریت محترم میراث فرهنگی استان زنجان که با همکاری عسگریان موافقت کر دند سپاسگزار باشم.

آقای فرزاد فروزانفر. تخصص ایشان انسان‌شناسی جسمانی است. پس از اینکه در حین بازپیرایی لایه نگاری قسمتی از دیواره شرقی کارگاه شماره ۱ گیرشمن، که مسروخ گزارش آن توسط جبرئیل نوکنده ارائه خواهد شد، بقایای اسکلت نوزادی به دست آمد به هیئت پیوست و مطالعات لازم را در محل انجام داد و پس از تحویل نسخه اصلی گزارش خود، که در این گزارش چاپ و منتشر خواهد شد، هیئت را ترک کرد.

دکتر مرجان مشکور. دکتر مشکور دکترای خود را در باستان جانورشناسی از دانشگاه سوربن ۱ پاریس دریافت کرده و اینک در آزمایشگاه CNRS موزه علوم طبیعی پاریس مشغول کار هستند. دکتر مشکور باستان‌شناسی است که مطالعات روی بقاوی استخوان حیوانات را انجام می‌دهد و می‌تواند کمیت و کیفیت پوشش جانوری گذشته را مشخص و معین کند. از آنجاکه تاکنون درباره محوطه سیلک چنین مطالعه‌ای انجام نگرفته بود اینک با پیوستن دکتر مشکور به هیئت "طرح بازنگری سیلک" می‌توان امیدوار بود که بتوان در آینده اطلاعات ارزشمندی در این زمینه‌ها در اختیار پژوهشگران و علاقمندان قرار داد. مسئولیت تهیه و تکمیل آرشیوی از مطالعات انجام شده در سیلک را نیز دکتر مشکور به عهده گرفت که امری بسیار مهم است.

جبرئیل نوکنده. کارشناس ارشد باستان‌شناسی مدیریت میراث فرهنگی استان گلستان. سابقه همکاری نزدیک نوکنده با من به مشارکت در کاوش "آق تپه" گنبد کاووس در سال ۱۳۷۹ بر می‌گردد. نوکنده در این هیئت چند مسئولیت بر عهده داشت. معاون هیئت و نماینده سازمان میراث فرهنگی کشور و مسئول امور مالی هیئت بود. علاوه بر همه این مسئولیت‌ها سرپرستی بازپیرایی برش عمودی قسمتی از دیواره شرقی کارگاه شماره ۱ گیرشمن را نیز به عهده داشت. این بازپیرایی را به نوعی می‌توان بازنگری نیز محسوب کرد زیرا علاوه بر شناسایی و مشخص کردن لایه‌هایی که گیرشمن مشخص کرده بود، نوکنده موفق شد تغییراتی را هم که باید در آن لایه نگاری صورت بگیرد مشخص و معین کند. او در نتیجه مطالعاتی که بر روی آثار به دست آمده از این برش عمودی انجام داد و گزارش مشرح او در همین گزارش چاپ و منتشر خواهد شد به جزئیاتی اشاره می‌کند که در مطالعات پیش از تاریخ این بخش از فلات مرکزی ایران کاملاً تازگی دارد.

هنگامی که درباره اعضاء هیئت با آقایان گلشن و دکتر آذرنوش مشورت می‌کردم یکی از شروط من حضور نوکنده در هیئت بود که خوشبختانه با این درخواست موافقت شد. از طرفی موافقت دوست عزیز و نازنینم آقای سید محمد امینی، مدیریت محترم میراث فرهنگی استان گلستان نیز برای عضویت نوکنده در هیئت لازم بود که این دوست نازنین با این درخواست نیز موافقت کرد و نوکنده به هیئت پیوست. از این همه لطف و بزرگواری دوست بسیار عزیزم آقای سید محمد امینی بسیار ممنون و متشرکم. ضمناً از اینکه کمال محبت را به ماروا داشت و همراه دوستان دیگرم آقایان حمید عمرانی و عبدالحسین بادپر راه طولانی گرگان کاشان را طی کرده از کار هیئت در سیلک بازدید کردن نیز از ایشان تشکر می‌کنم.

از همکاری عزیزان دیگری که دست ما را گرفتند و با ما همراهی کردن نیز بسیار سپاسگزارم. هنگامی که مشغول آواربرداری و بازپیرایی "سازه عظیم" گیرشمن بودیم چندین بار توصیف گیرشمن را از آن خواندم. ولی نکات طریف زبانی در آن نوشته بود که من متوجه نمی‌شدم. تا اینکه دوست و همکلاس و همکار عزیزم دکتر یوسف مجیدزاده در روز جمعه ۲۸ دی ماه به سیلک آمد. دیگر دوستان عزیزم آقایان دکتر جلال الدین رفیع فرو رضا میری نیز با او بودند. موقع را مغتنم شمرده و از مجیدزاده خواهش کردم با توجه به تجربه چهارساله‌ای که از کاوش در تپه ازبکی دارد در میان قطعات سفال‌هایی که در پختگاه سفال به دست آمده از آواربرداری و بازپیرایی قسمتی که بعداً معلوم شد بقاوی زیگورات است در کنار هم چیده شده بود تعدادی نمونه‌های سفال شاخص مادی را برای ما انتخاب کنا. بعد از مدتی جستجو در میان هزاران قطعه سفال مجیدزاده اطهار داشت حتی یک قطعه سفال مادی هم در میان آنها نیست. چند لحظه بعد نوکنده از او درباره شباهت بین خشت‌های مادی "ازبکی" و خشت‌های سیلک سؤال کرد که باز جواب منفی بود. بعد از پرسش و پاسخ‌ها بود که در نجوابی خصوصی که دو نفری داشتیم نظرم را